



نکس - خبرگزاری آتش

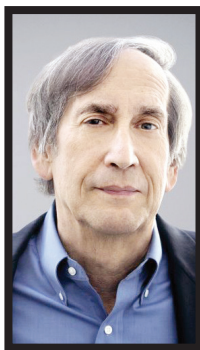
راه طولانی است و چشم انداز مبهم

نگاه سه کارشناس برجسته روابط بین الملل درباره گفت وگوهای ایران و آمریکا

سوزان ملونی: کاش می‌شد در آن اتاق‌ها بود و شنید، تصور می‌کنم گفت‌وگوهای خیلی جالبی باشند. ببینید، آن چیزی که برای من خیلی برجسته است این است که ظواهر کار از سوی هر دو طرف بسیار مثبت است. می‌شنوید که مذاکره‌کنندگان ایالات متحده و ایران تلاش می‌کنند این حس را حفظ کنند که گفت‌وگوها در حال پیشرفت است؛ به‌رغم اینکه همان طور که «ولی» گفت، معلوم نیست اصلاً گفت‌وگوی جدی درباره مسائل عمیق و پیچیده فنی در کار بوده یا نه. اگر بنا باشد به هر توافقی، حتی بر سر چارچوب برسیم، باید به این مسائل فنی رسیدگی شود و این نیازمند سطحی از تخصص درباره پیچیدگی‌های ساختار هسته‌ای ایران است که معلوم نیست رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایالات متحده داشته باشد؛ اما فکر می‌کنم ظاهر کار مثبت بوده و اینکه هر دو طرف سعی می‌کنند مثبت نگهش دارند، معنای خوبی دارد؛ چون فکر می‌کنم همه‌مان می‌دانیم هیچ راه‌حل خوبی برای جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران نیست جز توافقی در نتیجه مذاکره. فکر می‌کنم بیشتر ناظران فکر می‌کنند تصمیم برای خروج از توافق در سال ۲۰۱۸ تصمیم فاجعه‌باری بود. قطعاً ایران را نسبت به آنچه در برجام ترسیم شده بود، به ظرفیت تسلیحاتی هسته‌ای نزدیک‌تر کرده است. ایران قطعاً نسبت به زمانی که دولت اوباما در کنار دیگر اروپایی‌ها و قدرت‌های بزرگ شریک، مذاکره کردند و به آن توافق رسیدند، به این ظرفیت نزدیک‌تر است. الان واقعاً در وضعیت خیلی خطرناکی هستیم. مذاکرات مثبت هستند. خوشحالم که در جریان هستند. فکر می‌کنم طرف ایرانی احساس می‌کند این فرصتی برای اوست که بدون تحمل عواقب، چیزی به دست بیاورد، به ایالات متحده امتیاز اندکی بدهد و امتیاز بسیاری بگیرد. تا حدی دلایل این است که خود رئیس‌جمهور بسیار مشتاق لحظه جایزه نوبلش است. خیلی هم مشتاق موفقیت در مذاکرات است. وقتی قدرت را به دست گرفت، قرار بود جنگ‌ها در غزه و اوکراین را با یک بشکن تمام کند. این‌طور نشده. این شاید تنها شانس رئیس‌جمهور ترامپ باشد که مدعی یک پیروزی بزرگ شود. ممکن است ایرانی‌ها هم آماده باشند که کارهایی بکنند، اما قطعاً به اندازه ۲۰۱۵ نه. کارهایی هست که برخی اعضای دولت ترامپ به عنوان پیش‌نیاز مطرح کرده‌اند و ایرانی‌ها آماده انجامش نیستند، یعنی برچیدن کامل غنی‌سازی. این گزینه روی میز نیست. **میلر:** یک چیزی در این وضعیت جور در نمی‌آید. شما دو نفر خیلی بیشتر از من درباره این موضوعات می‌دانید، اما الان وضعیتی دارید که در آن ۴ یا ۵ موضوع اصلی دارید.

گفت‌وگوهای ایران و آمریکا همچنان ادامه دارند. هم در ایران و هم در آمریکا و هم در جاهای دیگر، بسیاری منتظرند تا ببینند تعامل تازه تهران و واشنگتن، با میانجیگری مسقط، به چه نتیجه‌ای می‌رسد. گذر زمان از یک سو و اصرار دو طرف بر خطوط قرمز متضاد از سوی دیگر، بسیاری از ناظران را بدبین کرده است و در عین حال، هر دو طرف مصمم هستند همچنان از مذاکره دست نکشند. هر کس به طریقی در تلاش است با استفاده از نشانه‌های مشهود و سوابق پیشین، به تحلیل و گمانه‌زنی از روند گفت‌وگوها بپردازد و در عین حال، صدای چندانی از اتاق‌های گفت‌وگو به بیرون نمی‌رسد. آرون دیوید میلر، دیپلمات سابق آمریکا و کارشناس ارشد اندیشکده «موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی» اخیراً میزبان ولی نصر، استاد روابط بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه دانشکده مطالعات پیشرفته بین‌الملل در دانشگاه جان هاپکینز و سوزان ملونی، معاون رئیس و مدیر برنامه سیاست خارجی در اندیشکده بروکینگز بود تا درباره ایران گفت‌وگو کنند. بخش پایان این گفت‌وگوی مفصل، درباره مذاکرات فعلی بین ایران و ایالات متحده بود و این سه کارشناس به بررسی وضعیت فعلی گفت‌وگوها، تحلیل چشم‌انداز آن‌ها و گمانه‌زنی درباره نتایج احتمالی موفقیت یا ناکامی در مذاکرات پرداختند. میلر نیز در اولین سوالش در این بخش، دقیقاً به همین مسئله پرداخت که تا چه میزان اطلاعات بیرون آمده از محتوای گفت‌وگوها اندک است. ترجمه این بخش از نشست مجازی مؤسسه کارنگی درباره ایران را در ادامه می‌خوانید.

نمود. نگاه کنید استیو ویتکاف هنوز حتی تیم نداشت. همه اختیارات را دارد اما اطلاعاتی نداشت. آماده مذاکرات نبود. اینکه فقط یک روز بروی و جلسه‌ای برای آشنایی داشته باشی، جایگزین مذاکرات نشد. الان هم داریم حرف می‌زنیم هنوز درباره چارچوب توافقی ندارند، یعنی درباره اینکه هدف نهایی چیست. این بحثی که می‌بینید درباره اینکه قرار است غنی‌سازی صفر باشد، یا میزانی از غنی‌سازی باشد، قرار است چیزی شبیه به برجام باشد، یا ایران همه چیز را تحویل خواهد داد، این بحث برای من یعنی واقعاً هنوز حتی به جزئیات فنی نرسیده‌اند. بحث درباره جزئیات فنی اساساً باید تازه وقتی شروع شود که روی چارچوب توافق کرده باشید. تازه حوالی دور آخر ایالات متحده پیشنهادی به ایران داده است و دور قبش هم ایرانی‌ها پیشنهادی دادند. این پیشنهادات را به هم داده‌اند و این‌ها را به پایتخت‌هایشان می‌برند؛ بنابراین فکر می‌کنم بخشی از مشکل این است که ایالات متحده به آن اندازه آماده نبود، از این لحاظ که تیم مذاکره داشته باشد، ساختار داشته باشد و... تازه داریم شروع می‌کنیم که به سمت این مرحله برویم. اینکه کسی هنوز چیزی نفهمیده شاید تا حدی به خاطر این باشد که چیز زیادی برای فهمیدن در کار نیست؛ چون واقعاً مذاکراتی با جزئیات در کار نبوده. فقط این بوده که بگویند ایالات متحده هنوز انتظار غنی‌سازی صفر دارد و ایرانی‌ها دارند تلاش می‌کنند راه‌حلی پیدا کنند که بهشان اجازه دهد این حق را نگه دارند و هم‌زمان امتیازی به هم ایالات متحده بدهند. **میلر:** سوزان تو درباره این فرایند چه نظری داری؟ فکر می‌کنی در این مذاکرات چه خبر است؟



آرون دیوید میلر:
جایی در این مذاکرات باید شروع کنند متونی با جزئیات مبادله کنند. شاید برجام ۱۵۰ صفحه‌ای نباشد اما باید متنی باشد

آرون دیوید میلر: به این سوال بپردازیم: آیا به توافق خواهیم رسید یا نه. ایران به نقطه‌ای رسیده که توافق برایش اجباری است؟ یا اختیاری است؟ هنوز این سوال جوابی نگرفته. یک سوال صریح از هر دویتان می‌پرسم، من مدتی دوروبر مذاکرات مختلف بوده‌ام. اینکه بگویم تحت تأثیر قرار گرفته‌ام تعبیر درستی نیست. می‌توانم بگویم مبهوتم که در پنج دور مذاکرات چه اتفاقی افتاده است. در مصاحبه‌ای با وال استریت ژورنال گفته‌ام استیون ویتکاف نماینده رئیس‌جمهور در امور همه چیز است. استیون ویتکاف واقعاً نماینده رئیس‌جمهور در امور همه چیز است. اعتماد رئیس‌جمهور را دارد. در آن عرصه تلاش انسانی که رئیس‌جمهور برایش بیشتر از هر چیز احترام قائل است، موفق بوده، یعنی در پول درآوردن؛ اما در پنج دور مذاکرات، در عمان و در رم، ببینید چه شده است. شاید شما متوجه باشید یا حدس‌تان بهتان بگویم، مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی، دقیقاً دارند روی چه کار می‌کنند. سطح امنیت عملیاتی در این مذاکرات مبهوت‌کننده است. سطح خطر نشت اخبار را در نظر بگیرید و گستره نهادهای اطلاعاتی، احتمالاً شامل نهادهای اطلاعاتی خود ما که عاجزانه تلاش می‌کنند بفهمند در این مذاکرات دقیقاً چه خبر است. پروژه‌ای که در دست اقدام است چیست؟ «ولی» نظر تو چیست؟

ولی نصر: فکر می‌کنم هر دو طرف، واقعاً و هر کدام به دلایل خودشان، بسیار علاقه‌مند به توافق هستند و رویکردی جدی به این روند دارند؛ اما در واقعیت، بخشی از مشکل این است که ایالات متحده، تا دور سوم واقعاً به چیزی که شبیه به مذاکرات باشد نپرداخته است. او آماده



روح‌اله نخعی
خبرنگار گروه دیپلماسی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE DIPLOMAT
Read The Diplomat, Know the Asia-Pacific

دلایل تقویت روابط ایران و آسیای مرکزی

جمهوری اسلامی ایران تحت صدارت رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان، به شکل محسوسی در حال تقویت سیاست‌هایش در آسیای مرکزی است. تمرکز اصلی تعاملات منطقه‌ای ایران بر توسعه تجارت و اتصالات لجستیکی در ترابری است. این هماهنگی با راهبرد «نگاه به شرق» در ایران است که بناست انزوای اقتصادی ایران را کاهش دهد. تحریم‌های بین‌المللی همچنان مانع اصلی بر سر راه پیوند ایران با آسیای مرکزی هستند. علی‌رغم نزدیکی جغرافیایی و پتانسیل قابل توجه در منابع، کل حجم تجارت متقابل همچنان نسبتاً پایین است؛ کمی بیش از ۱/۵ میلیارد دلار. البته این عدد در سال‌های اخیر کمی رشد داشته است. هدف ایران این است: تجارت با ازبکستان چهار برابر شود و به ۲ میلیارد دلار برسد، با قزاقستان و تاجیکستان هر کدام به ۱ میلیارد دلار برسد و تجارت با ترکمنستان ۳۰ درصد افزایش یابد.

در عین حال، دول آسیای مرکزی در جست‌وجوی بازار مصرفی جدید ارتباطات بهینه با اقتصادهای بزرگ جهانی هستند. ایران هر دوی این ویژگی‌ها را دارد و این موضوع ایران را به شریکی ارزشمند برای منطقه تبدیل می‌کند؛ به‌علاوه، ایران مدعی تخصص بالایی علمی و فنی در حوزه‌های مهندسی، انرژی، کشاورزی، شیمیایی و دارویی است و پایگاه سرمایه‌گذاری برای تولید مشترک دارد. شبکه گسترده جاده‌ای و ریلی ایران، در کنار بنادر مهمی که در محدوده اقیانوس هند دارد، امتیاز مهمی به ایران در همکاری با جمهوری‌های محصور در خشکی آسیای مرکزی می‌دهد. تهران در پل خشکی اوراسیا که چین و اروپا را با خط آهن به هم وصل می‌کند، نقشی کلیدی دارد. چند مسیر ترانزیتی زمینی از شرق به غرب، از ایران می‌گذرند و این مسیرها شامل کشورهای آسیای مرکزی هم می‌شوند. کریدور ریلی چین - قزاقستان - ازبکستان - ترکمنستان - ایران - ترکیه - اتحادیه اروپا، فعالانه در دست توسعه است و مسیر چندگانه چین - قرقیزستان - ازبکستان - ترکمنستان - ایران - ترکیه - اتحادیه اروپا هم هم‌زمان فعال است.

بنادر آب‌های عمیق ایران در چهارپایه شکل خاصی توجه جمهوری‌های آسیای مرکزی را به خود جلب کرده است. آن‌ها به دنبال گسترش مسیر جنوبی ترانزیت هستند. هند در حال مدرنیزه کردن چهارپایه است و به لطف تلاش‌هایش، بار تحریم‌ها بر دوش این بندر نیست. در سال ۲۰۲۳، تهران در خواست تاشکند را برای پیوستن به توافق نامه چهارپایه، پذیرفت. طرف ازبک قصد دارد در این بندر، انبار و ترمنال بسازد. قزاقستان و تاجیکستان هم رویکرد مشابهی را در نظر دارند. بحث‌ها برای کلیدزدن کریدورهای ترابری از آسیای مرکزی به هند با استفاده از زیرساخت‌های جاده‌ای و بندری ایران هم در جریان است. این رویه، تجارت با یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا را تقویت می‌کند و کاملاً هماهنگ با منافع ژئواکونومیک دول آسیای مرکزی است. در ماه اوت ۲۰۲۴، حمل‌ونقل کانترینری از بنادر موندرا، جواهر لعل نهرو و چانی به ازبکستان، از طریق ایران (با استفاده از بندرعباس) و ترکمنستان، آغاز شد. در ماه مارس ۲۰۲۵، تحویل محموله‌ها به قزاقستان با همین مسیر سازمان‌دهی شد؛ به‌علاوه، آستانه قصد دارد ترمنال و مرکز لجستیکی مخصوص در بندر شهید رجایی در جنوب ایران بسازد. این تحولات نشانه عزم دول آسیای مرکزی برای تقویت روابط با تهران هستند.

با توجه به جهت‌دهی تجارت خارجی ایران به سمت شرق، ترانزیت با آسیای مرکزی برای ایران هم بسیار مهم است. توافق تجارت آزاد تمام‌عیار بین کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران از ۱۵ ماه مه ۲۰۲۵ اجرایی شد. این توافق باعث کاهش شدید هزینه‌های گمرکی برای بیشتر کالاها می‌شود. روسیه که اقتصاد غالب در اتحادیه اقتصادی اوراسیاست و تجارت چشمگیری با ایران دارد (۴/۸ میلیارد دلار در ۲۰۲۴) بیشترین سود را از این توافق تجارت آزاد خواهد برد؛ اما چین همچنان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در شرق است. تجارت غیرنفتی دوجانبه در آخرین سال تقویم ایران که در ۲۰ مارس ۲۰۲۵ تمام شد، ۳۴/۱ میلیارد دلار ارزش‌گذاری شد. توسعه مسیرهای حمل‌ونقل از طریق آسیای مرکزی احتمالاً همچنان مسئله‌ای کلیدی در روابط ایران و چین خواهد بود و موضوع توجه جدی در ادامه این روابط.